

بررسی نظریه تحریف ناپذیری قرآن در آثار شهیدین (شهید شمس الدین محمد بن مکی و شهید زین الدین بن علی العاملی)

دکتر فتح الله نجارزادگان*

چکیده

سلامت قرآن از تحریف لفظی در آثار شهیدین حد اقل با سه دلیل آیات، احادیث و تواتر اجزای قرآن، قابل اثبات است. دلیل قرآن مستند به آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت و دلیل روایی مستند به انبوهی عظیم از احادیث در زمینه‌های فقهی و غیر فقهی است. دلیل تواتر نیز مبتنی بر دیدگاه شهیدین نسبت به تواتر قراءات هفتگانه بلکه دهگانه، است. روح تعالیم شهیدین قرآنی است که در وصایا و سیره علمی و عملی حیات آنان، هویدا است و این حکایت از جایگاه رفیع و ارجمند کتاب خدا مصون از هر نوع تغییر و تحریف در اندیشه آنان دارد.

درآمد: واژه تحریف در لغت و اصطلاح - تحریف از ریشه «حرف» (به معنای لبه و کناره)^(۱) به معنای مایل کردن، به کنار بردن و دگرگون ساختن آمده^(۲) و تحریف سخن به معنای، متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده به سمت احتمالی است که امکان دارد سخن گوینده را بر آن حمل کرد^(۳) که نتیجه آن ایجاد نوعی دگرگونی در مقصود گوینده خواهد بود. نخستین بار این واژه در قرآن و سپس در احادیث به کار رفته است. تحریف قرآن را می‌توان به دو نوع معنوی و لفظی تقسیم کرد، مقصود از تحریف معنوی تفسیر و توجیه سخن بر خلاف مقصود گوینده است. این نوع تحریف در قرآن رخ داده و امام علی علیه السلام نیز از وقوع آن در زمان خود و آینده خبر می‌دهند و می‌فرمایند: «به خدا

* - دانشیار گروه معارف دانشگاه تهران.

شکوه می‌برم از مردمی که کالایی نزد آنان بی‌بهارتر از کتاب خدا نیست هرگاه آن چنان که بایسته است تلاوت شود و پرسودتر و گرانبهارتر از این نیست اگر از معنای خویش تحریف گردد»^(۴) قرآن مجید نیز از وقوع این نوع تحریف در کتابهای آسمانی گذشته گزارش داده و فرموده است: ﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...﴾ (نسا / ۴۶)؛ «برخی از یهودیان کلمات [تورات] را از جاهای خود تحریف می‌کنند».

موضع نزاع به طور عام و در آثار شهیدین به طور خاص در مورد تحریف لفظی قرآن است که شامل تبدیل و افزایش یا کاهش در آنهاست.

جایگاه و اهمیت بحث درباره تحریف ناپذیری قرآن، بسی والاست؛ چون اگر سلامت قرآن از تحریف به اثبات نرسد هرگونه استدلال به آیات قرآن مورد تردید قرار می‌گیرد زیرا احتمال این که آیات مورد استدلال، تحریف شده و مقصود خداوند تغییر یافته باشد وجود دارد. پذیرش تحریف قرآن در پاره‌ای از موارد مستلزم انکار اعجاز قرآن خواهد بود. اعتبار احادیث معصومان علیهم‌السلام به ویژه در مقام تعارض روایات با یکدیگر نیز به قرآن متکی است و اگر در قرآن تحریفی رخ داده باشد اعتبار روایات نیز مخدوش خواهد شد^(۵).

پیشینه نظریه تحریف ناپذیری قرآن - پیشینه بحث تحریف ناپذیری قرآن را باید هم زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جست و جو کرد، اگر افزون بر آیات دیگر قرآن^(۶) دلالت آیات ۹ سوره حجر و ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت را بر اثبات تحریف ناپذیری قرآن کافی بدانیم، باید اذعان کنیم نقطه آغاز و سنگ بنای عدم امکان راهیابی خلل در الفاظ قرآن را، قرآن پی نهاده است.

پس از قرآن کهن‌ترین سندی که هم اکنون در دسترس ماست، صحیفه سجاده از قرن اول است؛ فرازهای فراوان از دعاهای صحیفه که در مقام اوصاف و ویژگی‌های قرآنند همسان با اوصاف قرآن موجود است و بر سلامت این کتاب گواهی می‌دهد^(۷) مانند این عبارت که می‌فرماید: «خداوند... قرآن را میزان عدالت - در تمام باورها و کردارها - قرار دادی به گونه‌ای که لسان آن از حق منحرف نمی‌شود...»^(۸) هرگز قرآن محرف، میزان درست برای سنجش نیست.

در احادیث پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، افزون بر احادیثی زیاد که درباره فضایل قرآن در منابع فریقین نقل شده^(۹)، احادیث عرض اخبار بر کتاب خدا^(۱۰)، پناه بردن به قرآن در هنگام هجوم شبهه‌ها و فتنه‌ها^(۱۱)، و حدیث ثقلین پیشینه بحث را با قدمت نزول قرآن همگام می‌سازد. چون این اوصاف برای قرآن با تحریف و تبدیل در الفاظ آن سرسازش نخواهد داشت. اساساً مفسران در مقدمه تفسیر و نیز ذیل آیاتی که در این باره‌اند (به ویژه آیه ۴۱ فصلت و آیه ۹ سوره حجر) و اصولیون در بحث

ناسخ و منسوخ و حجیت ظواهر قرآن، فقها در بحث جواز قرائت سبعه در نماز و گزینش یک سوره پس از حمد و نیز در برخی از کتاب‌های کلامی، به این مسأله پرداخته‌اند.

ادله تحریف‌ناپذیری قرآن از دیدگاه شهیدین علیهم‌السلام

ادله سلامت قرآن از تحریف را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: آیات قرآن، احادیث، تواتر اجزای قرآن و دلیل عقلی آن چه از این ادله‌ی در آثار شهیدین علیهم‌السلام به چشم می‌خورد سه دلیل قرآن، احادیث و تواتر است.

دلیل قرآن

از جمله ادله‌ی قرآن بر سلامت کتاب خدا از تحریف، این آیات است: ﴿... وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت / ۴۱ - ۴۲)؛ «... و به طور قطع آن کتابی عزیز است، باطل از روبرو و پشت سر به آن راه نمی‌یابد، فرود آمده از ناحیه خداوند حکیم و ستوده».

شهید ثانی در رساله «صلاة الجمعة» در مقام استدلال برای وجوب نماز جمعه با استناد به این آیات چنین آورده است:

«قال تعالى لكم قد أمرتكم بهذه الفريضة العظيمة في محكم كتابي المجيد الذي ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾؛ خداوند بلند مرتبه، به شما می‌فرماید: شما را به این فریضه بزرگ [نماز جمعه] در کتاب محکم و با شکوه خود امر کردم، در کتابی که در آن باطل به آن به هیچ روی از روبه‌رو پشت سر راه پیدا نمی‌کند [کتابی که] فرود آمده از ناحیه خداوند حکیم و ستوده است» (۱۲)

بدون تردید مقصود از واژه «ذکر» و «کتاب» در این دو آیه، قرآن مجید است. دو وصف «عزیز» - رسوخ‌ناپذیر، «لا یأتیه الباطل» - باطل به آن راه نمی‌یابد و «تنزیل من حکیم حمید» - نازل شده از سوی خداوند حکیم ستوده هر کدام به طور مستقل دلالت بر عدم تحریف قرآن می‌کند. چون واژه «عزیز» به معنای شکست‌ناپذیر و غیر قابل نفوذ است (۱۳)، و تحریف لفظی نوعی شکست و موجب نفوذپذیری قرآن است، واژه «باطل» نیز به معنای نقیض حق، چیزی را گویند که ثبات ندارد و تباهی و فساد می‌پذیرد (۱۴) و قرآن که می‌فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ﴾؛ «باطل به آن راه نمی‌یابد» به طور مطلق هر نوع تغییر و تبدیلی را در خود نفی می‌کند و اختصاصی به نفی باطل در محتوای قرآن نیست زیرا با

توجه به اعجاز قرآن، در محتوای غنی و معارف هماهنگ و سرتاسر حق قرآن که با نظم خاصی در مجموعه آیات و جملات یک سوره و مفاد آن قرار دارد، هرگونه تغییر و تبدیل در الفاظ به محتوا، حقانیت و هماهنگی معارف قرآن آسیب می‌رساند، و مصداق تباه شونده و فسادپذیر می‌گردد، در حالی که این آیه با تعبیر ﴿مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾؛ «از پیش رو و از پشت سر» به صورت مطلق در هر زمان و از هر جهت چنین امری را منتفی دانسته است. جمله پایانی این آیه یادآور این نکته است قرآن به این دلیل قابل تحریف و تغییر نیست که فرود آمده از سوی خداوند حکیم و ستوده است. خداوندی که کارهایش هدفدار و بدون نقص و خود برخوردار از همه کمالهاست. بنابراین اگر قرآن تحریف شده باشد نقض غرض و ناسازگار با حکیم بودن خدا خواهد بود.

لازم به یادآوری است، نباید احتمال داد که آیات استناد برای عدم تحریف، خود تحریف شده‌اند، زیرا صرف احتمال تحریف هیچ متنی را از اعتبار نمی‌اندازد، نهایت این احتمال، ضرورت بررسی تحریف یا عدم آن است و چنان که دلیل بر تحریف بدست نیاید اعتبار متن تثبیت می‌شود. افزون بر آن هیچ شاهد روایی و غیر روایی بر تحریف این آیات به چشم نمی‌خورد و مقایسه ساختار و محتوای این آیات با آیات قبل و بعد آنها نیز، نشان می‌دهد، آنها مجموعه منسجم به هم پیوسته‌اند و تمام اوصاف اعجازی قرآن را دارند به گونه‌ای که هیچ تردیدی در قرآن بودن آنها نیست.

دلیل روایی

دانشمندان به احادیثی گوناگون برای اثبات سلامت قرآن از تحریف، استدلال کرده‌اند (۱۵)، البته این به معنای نیاز قرآن به احادیث در این باره نیست چون در واقع اعتبار احادیث، از قرآن است و صحت و سقمشان با محک قرآن بدست می‌آید، لیکن چون نوع این احادیث در گواهی‌شان بر سلامت قرآن از تحریف، از سوی خود قرآن تأیید می‌شود، برای نیل به دو هدف اثبات سلامت قرآن از تحریف و ساقط کردن احادیث تحریف نما (در صورتی که تأویلی درست برای معنای آنها نتوان یافت) به آنها تمسک می‌شود، چون در مقام تعارض احادیث، ناگزیر احادیثی که سندشان ضعیف و دلالتشان مبهم و یا موافق قرآن نباشد، ساقطند و آنها روایات تحریف نما می‌باشند.

در آثار شهیدین به دو دسته از احادیث می‌توان در این زمینه استناد کرد:

الف: احادیثی که ناظر به احکام فقهی است مانند روایات لزوم قرائت سوره کامل پس از حمد در نماز (۱۶) که شهیدین، خواندن آن را پس از حمد واجب دانسته و آن را اجماع فقیهان اهل بیت می‌دانند. شهید اول در این زمینه می‌نویسد:

«تجب سورة كاملة في الثنائية والاوليين من غيرهما؛ قرائت سورة كامل در نمازهای دو رکعتی و در دو رکعت اول در نمازهای غیر دو رکعتی، واجب است.» (۱۷)

شهید ثانی نیز همین فتوا را دارند و می‌گویند:

«قراءة السورة الكاملة بعد الحمد في الاوليين واجب في الفرائض؛ قرائت سورة كامل پس از حمد در نمازهای دو رکعتی، (در نمازهای واجب) واجب است.» (۱۸).

ادعای صدور این حکم از سر تقیه نیز هیچ گونه توجیهی ندارد زیرا بیشتر مذاهب قایل به وجوب قرائت سورة کامل نیستند حال اگر قایل به تحریف شویم امثال این حکم ناممکن می‌شود چون به اصطلاح اصولیان لازمه «اشتغال یقینی»، «برائت یقینی» است و مکلف باید برای امثال حکم، یک سورة قرائت کند ولی با احتمال تحریف با قرائت هیچ سورة‌ای یقین به امثال حاصل نخواهد شد چون با پذیرش تحریف، تمام سورة‌ها محتمل التحریف اند. این استدلال در تمام احکام شرعی که در آنها بر قرائت سورة کامل یا آیه کامل تصریح کرده‌اند، جاری است (۱۹).

شهید ثانی در همین جا به اقتضای لزوم قرائت سورة کامل پس از حمد، به یکی از چالش‌ها در نظریه سلامت قرآن از تحریف که به تفاوت صحابه مستند است، پاسخ می‌گوید. توضیح آن که برخی با تشبیه به تفاوت مصحف ابن مسعود و مصحف اُبی بن کعب با مصحف موجود، به پندار تحریف قرآن گرفتار آمده‌اند (۲۰)، غافل از این که این تفاوت در اضافات تفسیری و تبدیل برخی از کلمات دشواریاب قرآن به کلمه‌ای دیگر جهت شرح و توضیح آن‌هاست و به سلامت قرآن از تحریف خلیلی وارد نمی‌کند؛ این نکته با توجه به تحلیل واژگان اقراء و تنزیل در احادیث و نیز شواهد و مدارکی که نشان می‌دهد صحابه در مصحفشان تفسیر آیات را می‌نوشتند (۲۱) کاملاً قابل درک و مورد پذیرش است و إلا اگر این تفاوت در متن الفاظ آیات باشد، همین تفاوت دلیل بر بی‌اعتباری آن‌هاست چون اخبار آن‌ها آحاد و بیش‌تر اسنادشان ضعیف و با ادله سلامت قرآن از تحریف در تعارض اند. از همین روست که ائمه اهل بیت علیهم‌السلام دستور به قرائت همین قرآن داده و گفته‌اند: «همان گونه که قرآن را آموخته‌اید قرائت کنید» (۲۲) و به یکی از یاران خود می‌فرمایند: «قرآن را همان گونه که سایر مردم می‌خوانند بخوان» (۲۳). در همین زمینه شهید ثانی به نقل از عبد العزیز المهدی می‌نویسد:

«قال: سألت الرضا عليه السلام عن التوحيد، فقال: كل من قرأ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...﴾ وآمن بها فقد عرف التوحيد، قلت: كيف يقرأها؟ قال: كما يقرأ الناس و زاد فيه كذلك الله

رَبِّي ثَلَاثًا؛ از امام رضا عليه السلام درباره توحید پرسیدم ، فرمود: هر کس سوره توحید را بخواند و به آن ایمان داشته باشد، توحید را دریافته است گفتم: چگونه بخواند؟ فرمود: همان گونه که مردم می خوانند و سه بار در پایان بگوید: این چنین است پروردگار من» (۲۴)

در پاره‌ای از احادیث در منابع اهل سنت که دستاویزی برای مستشرقان شده، آمده است، عبد الله بن مسعود سوره‌های معوذتین و حمد را از جنس وحی قرآنی نمی دانسته و قایل به زیادی آنها در مصحف موجود بوده و از این رو، در مصحف خود ثبت نکرده است (۲۵). در بین شیعه هیچ کسی تردید ندارد این سوره‌ها جزو قرآنند و شهید ثانی در دو جا به این نکته تصریح کرده‌اند یکی در حاشیه بر شرایع که همسو با دیدگاه صاحب شرایع است وی نوشته است «والمعوذتان من القرآن» شهید ثانی می‌گوید:

«هما بكسر الواو و اسم فاعل لأنهما نزلتا ليعوذ بهما الحسان عليه السلام ولا خلاف في كونهما من القرآن؛ ایندو معوذتان به کسر «واو» نام دارند چون نازل شدند تا حسنین عليه السلام را به وسیله آنها تعویذ کنند. هیچ کس مخالف این نیست که این‌ها دو سوره از قرآنند» (۲۶).

مورد دوم در کتاب «فوائد القواعد» است که می‌نویسد:

«والمعوذتان من القرآن» (۲۷)؛ این دو سوره از قرآن است».

بنابراین، آن چه به ابن مسعود نسبت می‌دهند به دلیل اخبار ضعیف و آحادی آن، غیر قابل استناد است (۲۸).

ب: دسته دوم از این احادیث روایات فراوان درباره فضایل و آثار مترتب بر قرائت، حفظ، نگارش، ختم و... قرآن است که مستندی دیگر در سلامت قرآن از تحریف از دیدگاه شهیدین و دیگران به شمار می‌آید. چون با فرض تحریف امتثال این احکام دشوار بلکه محال خواهد بود درباره صدور این اخبار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز فی الجمله نمی‌توان تردید کرد. استناد به این نوع احادیث برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن در بین امامیه پیشینه کهن دارد مانند: شیخ صدوق که با استناد به این احادیث نوشته است: «آن چه در ثواب قرائت سوره‌های قرآن و جواز قرائت دو سوره در هر رکعت از نماز نافله و ثواب ختم تمام قرآن و نیز نهی از قرائت تمام قرآن در یک شب و عدم جواز آن در کمتر از سه روز آمده است، دلیل بر سلامت قرآن از تحریف است» (۲۹).

شهید اول در وصیتنامه خود چنین سفارش می‌کند:

«وَأَجْعَلْ لَكَ وَرِداً مِنَ الْقُرْآنِ وَإِنْ تَمَكَّنْتَ مِنْ حِفْظِهِ فَاحْفَظْ بِلِ احْفَظِهِ مَا اسْتَطَعْتَ؛

ورد زبانت را از قرآن قرار داده و اگر می توانی تمام قرآن را از بر کنی، بکن؛ بلکه

هر مقدار که می توانی، آن را از بر کن.» (۳۰)

این وصیت الگوبرداری از وصیت نبی خدا به امام علی است که شهید اول آن را در رساله

«الاربعون حدیثاً» آورده اند (۳۱).

شهید ثانی نیز، در ۹ سالگی کتاب خدا را ختم کرده و نوشته است:

«کان ختمی لکتاب الله العزیز... وسّی اذ ذاک تسع سنین (۳۲)؛ [قرائت یا حفظ]

کتاب خدا را در حالی که ۹ ساله بودم به پایان بردم.»

ایشان در رساله «وصیة نافعة» نیز همان سفارش نبی اکرم ﷺ را به امام علی آورده است که فرمود:

«وعلیک بتلاوة القرآن علی کلّ حال (۳۳)، در هر حال بر تلاوت قرآن مواظبت کن.»

شهید اول در «الرسالة النفلیة» و شهید ثانی در «الفوائد الملیة الرسالة النفلیة» از آداب و ۵۰ سنن از

سنن قرائت قرآن، سخن گفته اند از جمله سفارش های جاودانه و کاربردی شهید ثانی در این باره

چنین است:

«ولیعلم أنّ القرآن کلّه نَزَلَ من باب اِیّاک أعنی واسمعی یا جارة فلا یَتَّخِذْ مجرد

الدّراسة عملاً بل یجعلها قراءة قراءة العبد کتاب مولاة کتبه إلیه لیتمدّ به ویعمل

بمقتضاه (۳۴)؛ باید دانست تمام قرآن از باب «به در می زند تا دیوار بشنود» نازل

شده است. بنابراین، نباید تنها به مطالعه زودگذر آن اکتفا شود بلکه باید آن را

همانند قرائت بنده ای قرائت کرد که مولایش برای وی، نامه ای نگاشته تا در آن

تدبر کند و مفاد را بفهمد و به مقتضای آن عمل کند»

باز شهید ثانی در رساله «التنبیهاث العلیة علی وظائف الصلاة القلیبة» که درباره اسرار نماز است

عناوینی را با اسامی «فیما یتعلق بقراءة القرآن» و «آداب قراءة القرآن و کیفیت» گشوده و در این باره

بحث کرده است.

دلیل تواتر

اثبات تحریف ناپذیری قرآن بادلیل تواتر، تلفیقی از دلیل روایی و شواهد تاریخی است (که در

واقع چون این شواهد نیز، مستند به روایاتند می توان آن را بخشی از دلیل روایی به شمار آورد) در این

دلیل بر اهتمام ویژه مسلمانان در تمام ابعاد جمع آوری، حفظ، ضبط، قرائت و نگارش قرآن و نیز انس

بی پایان و قداستی که این کتاب از همان اوان نزول در ژرفای جانشان داشته، توجه شده است (۳۵). این ادله و شواهد، موجب تواتر تمام اجزای قرآن خواهد بود و هر نوع تردیدی را درباره تغییر در قرآن، پایان می دهد.

تواتر اجزای قرآن از دیدگاه شهیدین از یک سو، مبتنی بر دیدگاه آنان پیرامون تواتر قراءات هفتگانه بلکه ده گانه است که به طور قطع موجب تواتر در تمام اجزای قرآن خواهد بود. و از سوی دیگر مبتنی بر دیدگاه آنان در جزئیّت و تواتر آیه «بسمله» است که به صراحت یا کنایه از لوازم تواتر در تمام اجزای قرآن حکایت دارد.

الف: جزئیّت بسملة: شهید اول در بحث قراءت در نماز می نویسد:

« والقراءة وهی واجبة... ویتعین الحمد فی الثنائیة و فی الاولیین من غیرها
والبسملة آیه منها ومن کل سورة (۳۶)... قرائت واجب است... و باید در
نمازهای دو رکعتی، و در دو رکعت اول نمازهای غیر دو رکعتی، حمد خوانده
شود و بسم الله الرحمن الرحیم آیهی از سوّه حمد و سایر سوره ها به شمار
می آید»

شهید ثانی درباره جزئیّت «بسملة» و تواتر تمام اجزای قرآن با تفصیل بیش تری بحث کرده است، از جمله در این عبارت که می گوید:

«والبسملة فی اول الحمد و اول السورة عدا سورة براءة وهو موضع اجماع من
الاصحاب والاکابر فی ذلك من طرقنا وطرق العامة کثیرة (۳۷). بسم الله الرحمن
الرحیم در اول سورة حمد و اول سایر سوره ها غیر از سورة براءة، آیهی قرآن
است. این مطلب بین اصحاب اجماعی است و اخبار در این باره از طریق ما و
طریق اهل تسنن، فراوان نقل شده است.»

وی درباره سوره های «الضحی» و «الم نشرح» و سوره های «الفیل» و «قریش» که گفته شده هر دو از آنها یک سوره اند، چنین می آورد:

«وَتَجِبُ الْبَسْمَلَةُ بَيْنَهُمَا لِثَوْبَتِهَا بَيْنَهُمَا تَوَاتُرًا وَكُتِبَتْ فِي الْمَصْحَفِ وَعَدَّهَا جُزْءًا مَعَ
تَجْرِيدِهِمْ آيَاهُ عَنِ النُّقْطِ وَالْإِعْرَابِ (۳۸)، باید بسم الله الرحمن الرحیم بین دو سورة
«الضحی» و «الم نشرح» و همین طور بین دو سورة «الفیل» و «قریش» خوانده
شود، چون اثبات این آیه بین آنها به تواتر ثابت شده و در مصحف نیز
نگاشته شده است. با آن که این مصحف، از نقطه و اعراب [و هر چه غیر قرآن

است] تجرید شده، آن را [آیه بسم الله] جزو سوره محسوب کرده‌اند».

ایشان از شرح لمعه نیز شبیه به همین عبارت را بدین گونه مطرح می‌کند:

«وتجب البسملة بينهما... لثبوتها بينهما تواتراً وكتبتها في المصحف المجرد من غير القرآن حتى النقط والاعراب»^(۳۹)، باید بسم الله الرحمن الرحيم بین هر کدام از این ایندو سوره، خوانده شود چون به تواتر ثبوت آن اثبات شده و در مصحف‌هایی که از غیر قرآن حتی نقطه و اعراب، خالی است [بسم الله الرحمن الرحيم] نگاشته شده است».

شهید ثانی در کتاب «فوائد القواعد» بر این باورند که اقوی این است که هر کدام از سوره‌های مذکور یک سوره کاملند^(۴۰).

حاصل آن که از عبارات شهیدین استفاده می‌شود تواتر تمام اجزای قرآن نزد شهیدین مفروغ عنه بوده است - که ملاحظه خواهید کرد - به همین رو، آنان تنها درباره آن چه که مورد اختلاف می‌باشد یعنی جزئیت و تواتر آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز سوره‌ها، بحث کرده و «تواتر و جزئیت» آن را مدلل ساخته‌اند.

ب: تواتر قراءات: اختلاف قاریان در تلفظ و کلمات قرآن، با تحریف در لفظ یکسان نیست، برخی این دو را یکسان پنداشته، تحریف قرآن را نتیجه گرفته‌اند^(۴۱). این نتیجه‌گیری به گمان آنان مبتنی بر عدم پذیرش تواتر قراءات هفتگانه یا دهگانه است چون با پذیرش تواتر، همه اختلاف‌ها در هیئت کلمات و حروف قرآن که در معنا مؤثرند، از ناحیه خداست^(۴۲) و موجب تحریف نخواهد بود. شهیدین همانند برخی از بزرگان شیعه^(۴۳) بر همین باورند که قراءات هفتگانه بلکه دهگانه متواترند شهید اول در بحث قراءات در این باره می‌نویسد:

«تجوز القراءة بالمتواتر ولا تجوز بالشواذ وقراءة العشرة متواترة»^(۴۴)، قرائت نماز با قراءات متواتر رواست اما با قراءات شواذ جایز نیست. و قرائت عشرة متواتر است».

ایشان در همین بحث در «الرسالة الألفية» پیرامون فرائض نماز نیز، چنین می‌آورد:

«وتجب... مراعاة اعرابها وتشديدها [أى القراءة] على الوجه المنقول بالتواتر فلو قرأ بالشواذ بطلت»^(۴۵)، مراعات اعراب و تشدید در قرائت بر وجهی که به صورت متواتر نقل شده، واجب است پس اگر با قرائت شواذ، نماز بخواند نمازش باطل است».

شهید ثانی نیز بر اساس سیره شرح نویسی به تفصیل به این بحث پرداخته و در بخشی از کلام

خود می نویسد :

«فإنَّ القراءةَ سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ فلا تجوز القراءة بالشواذ... والمراد بالشاذ ما زاد على قراءة العشرة المذكورة كقراءة ابن مسعود و ابن مُحِیصن وقد اجمع العلماء على تواتر السبعة واختلفوا في تمام العشرة وهي قراءة ابي جعفر و يعقوب و خلف والمشهور بين المتأخرين تواترها وممن شهد به الشهيد؛ في الذكري... مع أن بعض محققي القراء من المتأخرين أفرد كتاباً في أسماء الرجال الذين نقلوا في كل طبقة وهم يزيدون عما يعتبر في التواتر فتجوز القراءة بها إن شاء الله (٤٦)، قرائت، تعبدی است بنابراین، قرائت شواذ روانیست... مراد از قرائت شاذ، قرائت به غیر از قراءات دهگانه است؛ مانند: قرائت ابن مسعود و ابن مُحِیصن. دانشمندان بر تواتر قرائتهای هفتگانه اجماع و درباره سه قرائت دیگر که با آنها به قرائتهای دهگانه موسوم است، اختلاف دارند این سه قرائت عبارتند از: قرائت ابی جعفر، یعقوب و خلف. تواتر قرائت این سه نیز بین متأخرین مشهور است. از جمله افرادی که به تواتر این سه قرائت گواهی داده شهید اول در کتاب «ذکری» است. افزون بر آن برخی از قرائت پژوهان از متأخرین، کتابی خاص درباره ی نام افرادی که قرائت ها را در هر طبقه نقل کرده اند، نگاشته اند. کمیّت این افراد [در هر طبقه] از حدی که برای تواتر لازم است فراتر رفته است؛ بنابراین، قرائت نماز به یکی از قرائتهای دهگانه رواست».

آن چه در این عرصه از این دو فقیه نامدار جلب توجه می کند، قرائت کتب مشهور قراءات مانند قصیده شاطبیه [در علم قراءات] نزد مشایخ سنی است که در بین دانشمندان شیعی، نمونه های نادری دارد. شهید اول در این باره می نویسد :

«وقرأت الشاطبية على جماعة، منهم قاضي قضاة مصر برهان الدين ابراهيم بن جماعة... عن الشاطبي الناظم [قصيدة] شاطبیه (٤٧) [که درباره قرائت است] رانزد جماعتی خواندم از جمله نزد ابن جماعة قاضی قضاة مصر که با سند خود این کتاب را از شاطبى نقل می کند».

شهید ثانی نیز در شرح حال خود می گوید :

«ثم ارتحلت الى دمشق... وقرأت في تلك المدة بها على المرحوم الشيخ احمد بن

جابر الشاطبية في علم القراءات و قرأت عليه القرآن بقراءة نافع وابن كثير وابن عمرو وعاصم... وكان وصولي إلى مصر... يوم الجمعة... سنة ٩٤٢ واشتغلت بها على جماعة منهم... الشيخ ناصر الدين الطبلاوى الشافعي قرأت عليه القرآن بقراءة ابي عمر و رسالة في القراءات من تأليفاته و منهم الشيخ شمس الدين محمد ابو النجا النحاس قرأت عليه الشاطبية في القراءات والقرآن العزيز للائمة السبعة و شرعت ثانياً أقرأ عليه للعشرة ولم أكمل الختم بها^(٤٨)، به دمشق سفر کردم و در مدت اقامت، نزد شیخ احمد بن جابر، شاطبيه را که در علم قراءات است خواندم و نزد او قرآن را با قرائت نافع، ابن كثير، ابن عمرو و عاصم، قرائت کردم... [سپس به مصر رفتم]... در روز جمعه در سال ٩٤٢ به مصر رسیدم و در آن جا به علم آموزی پرداختم. از جمله نزد شیخ ناصر الدين طبلاوى شافعی، قرآن را با قرائت ابي عمرو بصری و رساله‌ای که در قراءات تألیف کرده بود، خواندم. و نیز نزد شیخ شمس الدين نحاس، کتاب شاطبيه در قراءات و قرآن را با قرائت پیشوایان هفتگانه، قرائت کردم و دوباره نزد وی قرائتهای دهگانه را شروع کردم که به پایان نرسید.»

اثبات تواتر اجزای قرآن از ادله گوناگون از جمله از دلیل تواتر قراءات، ریشه در اهتمام فوق العاده‌ی مسلمین درباره حفظ قرآن و حساسیت آنان نسبت به کوچک‌ترین تغییر در آیات وحی دارد. برای مثال عثمان بن عفان گمان می‌کرد «و» در ابتدای «الذین» در آیه ﴿... وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...﴾ (توبه / ٣٤) نیست اما اُبی بن کعب خلیفه را بیم داد که اگر «و» را بر جایش نگذارند شمشیر از نیام بر می‌کشد. در موردی دیگر خلیفه دوم بر این پندار بود که در قرائت آیه ١٠٠ سوره توبه ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ...﴾ واژه «انصار» مرفوع و حرف «و» در ابتدای «الذین» وجود ندارد در این صورت جایگاه شایسته انصار منوط به تبعیت آنان از مهاجران می‌شد (و در مفاخرت مهاجران و انصار پس از رسول خدا ﷺ مؤثر و به سود مهاجران تمام می‌شد). این بار نیز کسانی ابي بن کعب به عمر اعتراض و تاکید کردند که آیه آن چنان که او قرائت می‌کند نیست^(٤٩). عمر بر این باور بود که در قرآن آیه‌ای هست که «حد رجم» را ذکر کرده اما از این که این باور را اعلام کند و مردم او را به افزودن بر کتاب خدا متهم کنند، می‌هراسید^(٥٠).

بر همین مناسبت که شهید ثانی الفاظ قرآن را مضبوط و بدون تصحیف دانسته می‌گوید:
«إِنَّ الْفَاطِ الْكُتَابِ مَصْحُحَةً مُضَبُوتَةً فَلَا مَجَالَ لِلتَّصْحِيفِ» همانا، الفاظ قرآن،

درست، مضبوط و ثبت شده است و هیچ مجالی برای تصحیف و تحریف در آن نیست» (۵۱).

در بین امامیه نیز نخستین کسی که به این دلیل عطف توجه کرده علم الهدی شریف مرتضی (م/ ۴۳۶ ق) است (۵۲). پس از وی گروهی دیگر راه او را پیموده‌اند.

دیدگاه تفصیلی شریف مرتضی در این باره در کتاب «مسائل الطرابلسیات الاولی» آمده و هم اکنون این کتاب مفقود است؛ لیکن ایشان در کتاب «الذخیره فی علم الکلام» خلاصه دیدگاه خود را آورده و می‌گوید:

«ما در کتاب مسائل الطرابلسیات روشن ساختیم، قرآن به طور درست همان گونه که بوده، نقل شده بدون آن که در آن، نقصان، تبدیل یا تغییر و دگرگونی رخ داده باشد... در آن جا متذکر شدیم، عنایت شدید و انگیزه‌های قوی مسلمین بر نقل قرآن و حفظ و حراست از آن، از حد نقل حوادث، رویدادها و کتاب‌ها به مراتب بیش‌تر است... علم به جزئیات قرآن مانند علم به کلیت آن است... و ناگفته پیداست که عنایت به قرآن و ضبط آن بسی فراتر از عنایت به ضبط و ثبت کتاب سیبویه و دواوین شاعران است و هرگز آیندو با یکدیگر قابل مقایسه نیست» (۵۳).

پس از علم الهدی گروهی دیگر شیوهی او را پیموده‌اند مانند ابن شهر آشوب (م/ ۵۵۸ ق) در کتاب «مثالب النواصب» (۵۴)، شیخ سدید الدین محمود الحمصی (م/ اوایل قرن هفتم) در کتاب «المنقذ من التقليد» که در بخشی از کلام خود می‌نویسد: «تواتر کل قرآن و اجزا و تفصیل آن بدیهی است... و انکار ابن مسعود نسبت به معوذتین، تواتر قرآن را می‌خدوش نمی‌کند چون او یکنفر است و...» (۵۵) دلیل تواتر قرآن در بین متأخران نیز مورد توجه بوده است مانند: مرحوم شرف الدین عاملی (م/ ۱۳۷۷ ق) در «اجوبه مسائل جار الله» که چنین آورده است: «هر حرفی از حروف قرآن در تمام نسل‌ها تا عهد وحی و نبوت، متواتر به تواتر قطعی است» (۵۶).

و مرحوم امام خمینی (م/ ۱۴۰۹ ق) که از جمله ادله‌ی عدم تحریف قرآن، عنایت ویژه مسلمین را به جمع، حفظ، قرائت و نگارش قرآن بر شمرده‌اند که مستلزم تواتر در تمام اجزای قرآن خواهد شد (۵۷).

نکته‌ای که ذکر آن در این جا خالی از لطف نیست این است که با نفی تواتر قراءات، تواتر کلمات قرآن منتفی نیست. چون چه بسا قرائت آیه شرح و تفسیر آن باشد به طور نمونه کلینی قرائت امام علی از این آیه را چنین گزارش می‌دهد: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ﴾ (۵۸) بظلمه و سریره (۵۹)، این دو واژه تفسیر آیه است که ستمگری و نهاد زشت مفسدان را

علت پامال کردن کشت و نسل می شناسد و در غیر این صورت همان گونه که آیه الله خوئی می گوید: «متن کلمات و آیات قرآن حقیقتی است و اختلاف در شکل کلمات و چگونگی ادای آنها، حقیقتی دیگر است چون هر چه که برای نقل آن انگیزه های زیاد و شدید وجود داشته باشد، به تواتر نقل می شود و انگیزه مسلمانان برای نقل متن کلمات و آیات قرآن به قدری شدید بوده که قابل وصف نیست (چون قرآن اساس دین و معجزه الهی آنان است) بنابراین اگر قاریان هفتگانه یا دهگانه هم وجود نداشتند باز قرآن به تواتر ثابت بود و جریان دایمی قداست و صحّت آن نیز به این افراد منحصر نبود»^(۶۰) بنابراین اختلاف قاریان در ادای کلمات قرآن، موجب خلل به جوهره کلمات و آیات قرآن نیست، و کسی قایل به تلازم بین نقصان سوره ها، آیات و کلمات قرآن، با اختلاف در هیئت و چگونگی ادای کلمات قرآن نمی باشد. ادله سلامت قرآن از تحریف نیز هر گونه اختلاف در ادای کلمات قرآن را که بخواهد به جوهره کلمات سرایت کند و به گونه ای شود که موجب تغییر معنا و عدم دستیابی به مراد واقعی خدا شود، منتفی می سازد.

به هر روی، شهیدین براساس همین ادله که کتاب خدا را متواتر، خلل ناپذیر و بدون هیچ تحریف و تبدیلی می دانند، از آیات قرآن به طور گسترده در زمینه های گوناگون فقهی و غیر فقهی بهره گرفته اند که بدون شک از سلامت قرآن از دیدگاه این دو فقیه نامدار شیعه حکایت می کند. به طور نمونه، شهید اول با استناد به آیات قرآن درباره ارزش والای جهاد می نویسد:

«وهو من أعظم أركان الإسلام قال الله تعالى ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ

وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾^(۶۱) (توبه / ۱۱۱) جهاد از

بزرگ ترین رکن های اسلام است، خداوند تعالی می فرماید: «همانا خداوند جان

و مال مؤمنان را در برابر بهشت خریده است آنان در راه خدا قتال می کنند».

و همین طور استناد به آیات درباره «احوال و احوال عالم برزخ»^(۶۲)، «نفی حرج در دین»^(۶۳)،

«وجوب زکات»^(۶۴) در آثار شهید اول نمایان است. ایشان با استدلال به آیات قرآن، پیرامون اثبات

«معاد بدنی و روحانی» چنین می گوید:

«واعلم أنه لا بدّ من المعاد البدنی والروحانی... وقد نطق به القرآن العزيز في عدة

مواضع لأنّه تعالی حکیم^(۶۵)، بدان که ناگزیر، معاد بدنی و روحانی است چون

قرآن عزیز در جاهای گوناگون آن را بیان فرمود و کلام حق تعالی حکیمانانه است».

و همین طور درباره «وجوب خواندن عربی سوره ها» در نماز، می نویسد:

«لا تجزى القراءة بغير العربية... لقوله تعالى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا...﴾ (يوسف

۲ / و لفوات الاعجاز اذ هو باعتبار لفظه و نظمه (۶۶)، قرائت قرآن بدون عربی، مجزی نیست چون خداوند می فرماید: «همانا ما قرآن را به [زبان] عربی نازل کردیم» و نیز با قرائت غیر عربی، اعجاز قرآن نیز که به لفظ و نظم قرآن است، از دست می رود».

شهید ثانی نیز، افزون بر تفسیر نسبتاً گسترده‌ای که از آیه‌ی شریفه «البسمله» دارد به آیات شریفه قرآن به طور بسیار گسترده در مباحث فقهی و غیر فقهی تمسک جسته است. استناد شهید به حدود ۵۰۰ آیه در کتاب فقهی «مسالك الافهام» (۶۷) و به ده‌ها بلکه صدها آیه در کتاب اصولی «تمهید القواعد» (در هر دو بخش «القواعد الاصولية» و «القواعد العربية»)، فتوا بر اساس آیات مانند: این فتوا که می نویسد: «وكفارة اليمين صريح القرآن» (۶۸)، استدلال به آیات فراوان در رساله «تفسیر آیه‌ی البسمله»، «شرح حدیث الدنيا مزرعة الآخرة» و کتاب‌ها و رساله‌های دیگر جملگی شاهد این مدعا است. شهید با عرضه اخبار بر آیات قرآن به ارزیابی صحت و سقم آنها پرداخته (۶۹) و به پرسش‌های افراد درباره تفسیر برخی از آیات، پاسخی در خور و ژرف داده (۷۰) است. ایشان در وصایای خود با عنوان «وصية نافعة» از ده‌ها آیه مدد گرفته و مخاطب را با سفارش‌های قرآنی سیراب کرده است (۷۱).

از جمله استنادهای شهید ثانی به آیات وحی به طور مشخص، آیه ﴿إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...﴾ (حجرات / ۷) است که می نویسد:

«إِنَّ الْمَانِعَ مِنْ قَبُولِ خَبَرِ الْفَاسِقِ هُوَ فَسَقُهُ فَمَتَى لَمْ يَعْلَمْ الْفَسْقَ لَا يَجِبُ التَّبَيُّنُ عِنْدَ

خَبَرِ الْمَخْبِرِ مَعَ جَهْلِ حَالِهِ فَكَيْفَ مَعَ تَوْثِيقِهِ وَمَدْحِهِ (۷۲)، آن چه که مانع از پذیرش

خبر فاسق می شود، فسق اوست. پس هرگاه، فسق او معلوم نباشد نیازی به

کاوش در خبر گوینده نیست چه رسد به آن که وی توثیق شده و ممدوح باشد.»

خلاصه روح تعالیم فقهی و غیر فقهی شهیدین به عنوان دو استوانه نامور شیعه، قرآنی است که بنا

به اقتضای زمینه فقه پژوهی خود همواره با کتاب خدا به عنوان نخستین مدرک و موثق ترین منبع در

فقه و غیر فقه بهره گرفته اند؛ بلکه ایندو با کتاب خدا زندگی کرده اند که در بیان و بنان و در سیره حیات

و وصایای آنان هویدا است و این حکایت از جایگاه والا و ارجمند کتاب خدا بدون هیچ تغییر و

تحریف یا کاهش و افزایش در ذهن آنان دارد.

نتیجه

موضوع بحث در آثار شهیدین در مورد سلامت قرآن از تحریف لفظی است که شامل تبدیل و

افزایش یا کاهش در آن‌هاست تحریف ناپذیری قرآن به این معنا، در آثار شهیدین با سه دلیل آیات، احادیث و تواتر اجزای قرآن قابل اثبات است. دلیل قرآنی مستند به آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصّلت و دلیل روایی مستند به احادیثی فراوان است که ناظر به احکام فقهی و نیز روایاتی است که درباره فضایل قرائت، حفظ، نگارش و... در آثار آنان به طور گسترده به چشم می‌خورد. با احتمال تحریف قرآن امتثال این احکام و پیدایش آثار آن‌ها دشوار بلکه محال خواهد بود دلیل تواتر، تلفیقی از دلیل روایی و شواهد تاریخی است که بر اهتمام ویژه مسلمانان درباره جمع‌آوری، حفظ، ضبط، قرائت و نگارش قرآن تاکید می‌ورزد. دلیل تواتر اجزای قرآن از دیدگاه شهیدین از یک سو، مبتنی بر دیدگاه آنان پیرامون تواتر قراءات هفتگانه بلکه دهگانه است که به طور قطع موجب تواتر اجزای قرآن خواهد بود و از سوی دیگر، مبتنی بر دیدگاه آنان در جزئیّت و تواتر آیه «بسمله» است که به صراحت یا کنایه از لوازم تواتر در تمام اجزای قرآن حکایت دارد.

شهیدین بر اساس همین ادله که کتاب خدا را متواتر، خلل‌ناپذیر و بدون هیچ تحریف و تبدیلی می‌دانند، از آیات قرآن به طور گسترده در زمینه‌های گوناگون فقهی و غیر فقهی بهره گرفته‌اند که بدون شک از سلامت قرآن از دیدگاه این دو فقیه نامور شیعی حکایت می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة: ج ۲، ص ۴۲، ماده «ح. ر. ف» راغب، حسین، مفردات: ص ۲۲۸ همان ماده.
- ۲ - ابن فارس، احمد، همان: ج ۲، ص ۴۳.
- ۳ - راغب، حسین، همان: ص ۲۲۸.
- ۴ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷؛ کلینی، محمد، الکافی: ج ۱، ص ۱۵۱.
- ۵ - برای توضیح بیش‌تر، نک: مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، به کوشش محمود رجبی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ حسینی میلانی، علی، التحقیق فی نفی التحریف: ص ۵۵ - ۵۶.
- ۶ - فرقان: آیه ۳۰؛ سجده: آیه ۳۲ درباره وجه استدلال به این آیات به سلامت قرآن از تحریف، نک: نجّارزادگان (محمدی)، فتح الله، سلامة القرآن من التحریف و تنفيذ الافتراءات علی الشيعة الإمامية: ص ۲۱ - ۲۲.
- ۷ - مانند دعای ۴۲.
- ۸ - همان.
- ۹ - نک: هندی، متقی، کنز العمال: ج ۲، ص ۲۸۴ - ۲۹۳؛ مجلسی، بحار الأنوار: ج ۹۲، ص ۱۲ - ۳۳.
- ۱۰ - کلینی، محمد، الکافی: ج ۲، ص ۶۹، رقم ۱؛ عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۸، رقم ۲؛ طوسی، محمد، امالی طوسی: ج ۲، ص ۲۲۷، رقم ۴.

- ١١ - كليني، محمد، الكافي: ج ٢، ص ٥٩٨ - ٥٩٩ رقم ٢.
- ١٢ - شهيد ثانی، زين الدين، رسالة صلاة الجمعة ضمن رسائل الشهيد الثاني: ج ١، ص ٢٥٨.
- ١٣ - راغب، حسين، مفردات: ص ٥٦٤ مادة «ع. ز. ز.».
- ١٤ - راغب، حسين، مفردات: ص ١٢٩ مادة «ب. ط. ل.».
- ١٥ - نك: نجارزادگان، فتح الله، سلامة القرآن من التحريف: ص ٢٢ - ٢٨.
- ١٦ - كليني، محمد، الكافي: ج ٣، ص ٣١٣.
- ١٧ - شهيد اول، محمد، ذكرى الشيعة، ج ٣، ص ٣٠٠ و نیز نك: الدروس الشرعية: ج ١، ص ١٧١؛ الرسالة الألفية: ص ١٦٩.
- ١٨ - شهيد ثانی، زين الدين، حاشية شرايع: ج ١، ص ٩٤ شهيد، در شرح لمعة، قراءة حمد و سورة كامله را اشهر القولين می دانند. همو: شرح للمعة: ج ١، ص ٥٩٤.
- ١٩ - نك: لنكراني، محمدفاضل، مدخل التفسير: ص ٢١١.
- ٢٠ - نوري، حسين، فصل الخطاب: ص ١٣٥ و ١٤٤؛ گلذيه، ايگناز، مذاهب التفسير الاسلامي: ص ٢٠ - ٣١.
- ٢١ - نك: ابن جزري، محمد، النشر في القراءات العشر: ج ١، ص ٢٣، زرکشی، بدر الدين، البرهان زرکشی: ج ١، ص ٢٣٥.
- ٢٢ - كليني، محمد، الكافي: ج ٢، ص ٦٣٣ رقم ٢٣.
- ٢٣ - همان: ج ٢، ص ٦٣١ رقم ١٤ و ج ٢، ص ٦١٩ رقم ٢.
- ٢٤ - شهيد ثانی، زين الدين، الفوائد المليية: ص ٢٠١.
- ٢٥ - سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور: ج ٨، ص ٦٨٣؛ ابن سلام قاسم، فضائل القرآن: ص ١٨٩ - ١٩٠؛ ابن قتيبة، عبد الله، تأويل مشكل القرآن: ص ٣٤؛ رضوان، عمر بن ابراهيم، آراء المستشرقين حول القرآن الكريم (به نقل از مونتغمري وات): ج ١، ص ٤٠٩؛ محمد خليفه، الاستشراق والقرآن العظيم (به نقل از جفري): ص ٦٨.
- ٢٦ - شهيد ثانی، زين الدين، حاشية شرايع: ج ١، ص ٩٦.
- ٢٧ - شهيد ثانی، زين الدين، فوائد القواعد: ص ١٧٨.
- ٢٨ - نك: ابن شاذان، فضل، الايضاح: ص ٢٢٩؛ العاملی، محمود جواد، مفتاح الكرامة: ج ٢، ص ٣٨٧؛ عسگری، مرتضى، القرآن الكريم و روايات المدرستين: ج ٢، ص ٦٩٦.
- ٢٩ - صدوق، محمد، الاعتقادات: ص ٨٦.
- ٣٠ - شهيد اول، محمد، الوصية (ضمن رسائل الشهيد الاول): ص ٢٩٥.
- ٣١ - همو، الأربعون حديثاً (ضمن رسائل الشهيد الاول): ص ٧٨ در اين وصيت پیامبر خدا ﷺ امام علی می فرماید: «...وأن تكثر من قراءة القرآن وتعمل بما فيه».
- ٣٢ - شهيد ثانی، زين الدين، ترجمه الشهيد بقلمه الشريف (ضمن رسائل الشهيد الثاني): ج ٢، ص ٨٦٣.
- ٣٣ - همو، وصية نافعة (ضمن رسائل الشهيد الثاني): ج ٢، ص ٨١٤.
- ٣٤ - همو، الفوائد المليية: ص ١٨٢.
- ٣٥ - نك: ابن جزري، محمد، النشر في القراءات العشر: ص ٥ - ٦.
- ٣٦ - شهيد اول، محمد، الدروس الشرعية: ج ١، ص ١٧١.
- ٣٧ - شهيد ثانی، زين الدين، روض الجنان في شرح ارشاد الاذهان: ج ٢، ص ٧٠٣ و نیز، نك: اجوبة مسائل شکران بن حمد (ضمن رسائل الشهيد الثاني): ج ١، ص ٥٦٦.
- ٣٨ - شهيد ثانی، زين الدين، روض الجنان في شرح ارشاد الاذهان: ج ٢، ص ٧١٥.
- ٣٩ - همو، شرح للمعة: ج ١، ص ٦١٤.
- ٤٠ - همو، فوائد القواعد: ص ١٧٨.
- ٤١ - نوري، حسين، فصل الخطاب: ص ٢٠٩.
- ٤٢ - حلي، حسن، تذكرة الفقهاء: ج ٣، ص ١٤١؛ العاملی، محمد (شيخ بهائي)، زبدة الاصول: ص ٨٦.

- ٤٣- حلى، حسن، تذكرة الفقهاء: ج ٣، ص ١٤١؛ العاملى، محمد (شيخ بهائى)، زبدة الاصول: ص ٨٦
- ٤٤- شهيد اول، محمد، ذكرى الشيعة: ج ٣، ص ٣٠٥.
- ٤٥- همو، الرسالة الألفية: ص ١٦٩، و نيز نك:
- ٤٦- شهيد ثانى، روض الجنان فى شرح ارشاد والاذهان: ج ٢، ص ٧٠٠.
- ٤٧- شهيد اول، محمد، اجارة لابن خازن (ضمن رسائل الشهيد الاول): ص ٣٠٧- ٣٠٨.
- ٤٨- شهيد ثانى، زين الدين، رسالة التراجم والرجال: ج ٢، ص ٨٦٥- ٨٦٩.
- ٤٩- ابن جرير، محمد، جامع البيان: ج ١١، ص ٧ و سيوطى، جلال الدين، الاتقان: ج ٣، ص ٢٦٩.
- ٥٠- ابن انس، مالك، الموطأ، ج ٢، ص ٨٢٤.
- ٥١- شهيد ثانى، زين الدين، الاقتصاد والارشاد: ج ٢، ص ٧٨٩.
- ٥٢- شريف مرتضى، الذخيرة فى علم الكلام: ص ٣٦١- ٣٦٤.
- ٥٣- علم الهدى، على، الذخيرة: ص ٣٦١.
- ٥٤- ابن شهر آشوب، على، مثالب النواصب: ورقه ٤٢٨ نسخة لكنهو و ٤٧١ نسخة سپهسالار.
- ٥٥- حمصى، محمد، المتقذ من التقليد: ص ٤٧٧- ٤٧٨.
- ٥٦- شرف الدين، عبد الحسين، اجوبة مسائل جارالله: ص ٢٨ و ١٦٣.
- ٥٧- امام خمينى، روح الله، تهذيب الاصول: ج ٢، ص ١٦٥.
- ٥٨- بقره: آيه ٢٠٥.
- ٥٩- كلينى، محمد، الكافى: ج ٨، ص ٢٨٩.
- ٦٠- خويى، ابو القاسم، البيان: ص ١٥٨.
- ٦١- شهيد اول، محمد، الدروس: ج ٢، ص ٢٩.
- ٦٢- همو، الذكرى: ج ٢، ص ٨٥- ٩٠.
- ٦٣- همو، رساله «جواز ابداع السفر فى شهر رمضان» (ضمن رسائل الشهيد الاول)، ص ٢٥٤.
- ٦٤- همو، الدروس: ج ١، ص ٢٢٩.
- ٦٥- همان: ج ١، ص ٢٢٩.
- ٦٦- همو: الذكرى: ج ٣، ص ٣٠٢ و نيز، نك: ج ٢، ص ٤٤٤- ٤٤٥.
- ٦٧- نك: شهيد ثانى، زين الدين: مسالك الافهام: ج ١٦، ص ٩- ٤١ (در اين صفحات فهرست آيات آمده است).
- ٦٨- نك: همو، الرسالة المجموعة فى الفوائد المسموعة (ضمن رسائل الشهيد الثانى): ج ٢، ص ١٢١٤.
- ٦٩- نك: همو، اجوبة مسائل الشيخ احمد المازنى (ضمن رسائل الشهيد الثانى): ج ٢، ص ٦٢٣.
- ٧٠- مانند اين پرسش كه از ايشان مى پرسد: ما يقول مولانا فى قوله تعالى: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفَى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ﴾ الآية: ما وجه هذا الاستثناء... (نك: شهيد ثانى، زين الدين، أجوبة المسائل، ضمن رسائل الشهيد الثانى: ج ١، ص ٥٦٨- ٥٦٩).
- ٧١- نك: شهيد ثانى، زين الدين، وصية نافعة (ضمن رسائل الشهيد الثانى): ج ٢، ص ٧٩٢- ٨٠٧ در همين وصيتنامه، سفارش رسول مكرم اسلام را به امام على گوشزد مى كند كه فرمود: «وعليك بتلاوة القرآن على كل حال».
- ٧٢- شهيد ثانى، زين الدين «شرح حديث الدنيا مزرعة الآخرة» (ضمن رسائل الشهيد الثانى): ج ٢، ص ٨٢٢- ٨٢٤.